

نام و نام خانوادگی: ..... درس: تفکر و سبک زندگی پایه: هشتم کلاس: .....

### داستان کوتاهی درباره نتایج بی احترامی به دیگران

مردی نابینا زیر درختی نشسته بود!

پادشاهی نزد او آمد، ادای احترام کرد و گفت:

قربان، از چه راهی میتوان به پایتخت رفت؟

پس از او نخست وزیر همین پادشاه نزد مرد نابینا آمد و بدون ادای احترام گفت:

آقا، راهی که به پایتخت می رود کدام است؟

سپس مردی عادی نزد نابینا آمد، ضربه ای به سر او زد و پرسید:

احمق، راهی که به پایتخت می رود کدامست؟

هنگامی که همه آنها مرد نابینا را ترک کردند، او شروع به خندیدن کرد.

مرد دیگری که کنار نابینا نشسته بود، از او پرسید:

به چه می خندی؟

نابینا پاسخ داد: اولین مردی که از من سوال کرد، پادشاه بود.

مرد دوم نخست وزیر او بود

و مرد سوم فقط یک نگهبان ساده بود.

مرد با تعجب از نابینا پرسید:

چگونه متوجه شدی؟

مگر تو نابینا نیستی؟

نابینا پاسخ داد:

فرق است میان آنها ...

پادشاه از بزرگی خود اطمینان داشت و به همین دلیل ادای احترام کرد...

ولی نگهبان به قدری از حقارت خود رنج می برد که حتی مرا کتک زد.

احترام به دیگران نشان از بزرگی خودت دارد. شخصی که بی احترامی می کند از حقارت خود در رنج است.